



شرفی زین بر خطبه بدیع و اخلاق غراء

اینجا آخر دنیا است

محمد صالح طیب‌نیا
به کوشش مهدی تیموری

اینجا خانه
شماست



- موضوع : طب، نبیا، محمد صالح، ۱۳۵۶ -
 عنوان قراردادی : نهج البلاغه، خطبه غزاه، شرح
 عنوان و نام پدیدآور : اینجا آخر دنیا است، شرحی نوین بر خطبه
 بدیع و اخلاقی غزاه / محمد صالح طیب نبیا؛ به کوشش: مهدی
 تیموری؛ تهیه‌کننده مرکز احیاء اندیشه و سیره علوی.
 مشخصات نشر: اصفهان، مهرستان، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۳۸۰ ص: ۲۱×۱۴.
 فروست: مهرستان، ۵، کتاب‌های فرهنگی تربیتی، ۵.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۴۱-۲-۵ رزال ۲۰۰۰۰
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: فارسی - عربی - یادداشت: کتابنامه، ص: ۲۵۲.
 موضوع: علم بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت -
 ۴۰ ق. نهج البلاغه، خطبه غزاه -- نقد و تفسیر
- موضوع : موضوع : Balaghah, Khutbah -
 Gharra -- Criticism and interpretation
 موضوع : علم بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.
 نهج البلاغه -- خطبه‌ها
 موضوع : Balaghah -
 Gharra -
 ششامه افزوده : علم بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.
 نهج البلاغه، خطبه غزاه، شرح
 ششامه افزوده : Balaghah, Khutbah -
 Gharra, Commentaries
 ششامه افزوده : مرکز احیاء اندیشه و سیره علوی
 رده بندی کنگره: ۲۲۲/۴۲۸/۲۲۲
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۱۱-۷۴

اینجا آخر دنیا است

(شرحی نوین بر خطبه بدیع و اخلاقی غزاه)

ویراستار: دکتر محمد صالح طیب نبیا

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

به کوشش: مهدی تیموری

ویراستار: فاطمه هادی

مدیر هنری: حامد مفروزی

طراح جلد و صفحه آرا: آتلیه گرافیک کارگاه

ناشر: مهرستان

چاپ: دوم، ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

تارنما: www.book.mehrestan.ir

رایانامه: mehr@mehrestan.ir

سامانه: ۰۱۰۰۷۹۶۲۱۰۰۳۰۰۰

نشانی: اصفهان، خیابان مسجد سید، خیابان آیت الله زاهد،

کوچه ۱۵، پلاک ۳۳ - کد پستی: ۸۱۳۶۹۵۵۱۳۷

شماره تماس: ۰۳۱-۳۲۳۶۸۷۵۵

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر برای نشر مهرستان محفوظ است.



سخن‌آغازین

مرکز «احیاء اندیشه و سیره علوی» مجموعه‌ای است مردم‌نهاد و خدمتگزار در کارهای خیر فرهنگی. تمرکز این مجموعه بر تربیت و تعلیم، آن‌هم با رویکردی اسلامی و عقلانی است. این مجموعه برای ماوراست که شیرین‌ترین کار عالم با همه دشواری‌ها و ظرافت‌هایش، «تربیت و تعلیم» و بهترین و مؤثرترین بستر تربیت، «خانواده» است؛ بنابراین در راستای ایجاد تعالی درون‌زا و جمعی اعضای خانواده، بخشی از فعالیت‌هایش را به تولید و ترویج آثار در قالب رسانه‌های مکتوب، تصویری و محصولات فرهنگی هنری از طریق طرح‌های مهرستان به شکل زیر اختصاص داده است:

مهرستان خانواده، به دنبال پاسخگویی به مهمترین مسائل خانواده با تأکید بر افزایش و به‌کارگیری مهارت‌ها از طریق معرفت‌افزایی، انس‌آفرینی و بسترسازی است.

مهرستان کودک و نوجوان، طرحی برای تبیین و تقویت سبک زندگی اسلامی ایرانی با تأکید بر آداب فردی و اجتماعی از طریق تولید آثار خلاقانه و جذاب که متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای کودکان و نوجوانان عزیز در نهاد خانواده است.

مهرستان فرهنگی و تربیتی، در پی آن است تا بخشی از مسائل و دغدغه‌های فرهنگی و تربیتی و اجتماعی فرهیختگانی چون شما عزیز گرانمایه را در حد توان پاسخگو باشد و به طرح موضوعاتی پردازد که با وجود اهمیت و شرافتی که دارند، اما به صورت مستقل به مسائل خانواده نمی‌پردازد و اکنون یکی از آثار آن، همین یار مهربانی است که در دستان شماست.

حساسیت موضوع و فرهیختگی خواننده، به ما انگیزه می‌دهد که بارها و بارها درون‌مایه، قالب، مراحل تولید و توزیع را بازبینی کنیم تا اثری فاخر و ارزشمند را تقدیم نگاه و نگرش بلند شما گرامیان نماییم و مشتاقانه منتظریم تا با دریافت دیدگاه‌های شما سروران عزیز به آدرس mehr@mehrestan.ir، بیش از پیش مرهون مهربانی‌هایتان گردیم.

عیشتان مدام، ایام به‌کام، عزت مستدام

مرکز احیاء اندیشه و سیره علوی



فهرست

پیشگفتار	۱۴
اهمیت و ضرورت یاد مرگ و مرگ باوری	۱۴
آثار یاد مرگ و مرگ باوری در روایات	۱۵
۱. دستیابی به مقام شهدا	۱۵
۲. غفلت زدایی	۱۶
۳. کنترل شهوات	۱۶
۴. ایجاد لطافت قلب	۱۷
۵. زهد و بی رغبتی به دنیا	۱۷
۶. خابوشی آتش حرص و بخل	۱۷
۷. بازداشتن انسان از طغیان و سرمستی	۱۸
۸. ایجاد صلابت و خشنودی در انسان	۱۸
۹. شتاب کردن در کار خیر	۱۸
۱۰. آمادگی برای مرگ	۱۹
۱۱. کوتاه کردن آرزوها	۱۹
راهکارهای تقویت مرگ باوری	۲۰
نشانه‌های انسان مرگ باور	۲۱
۱. سکوت	۲۱
۲. انجام واجبات و ترک محرمات	۲۱
۳. شتاب در کار خیر	۲۲
۴. کینه نوزیدن	۲۲
۵. حزن قلبی	۲۲
دشواری سخن گفتن درباره مرگ	۲۲
معرفی خطبه ۸۳ نهج البلاغه، معروف به خطبه غراء	۲۳
ویژگی‌های این شرح	۲۴
بخش اول: کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تورا	۲۷
و خدایی که در این نزدیکی است	۳۱
با صد هزار دیده تماشا کنم تورا	۳۵

محمد ﷺ شمع جمع آفرینش ۳۸

بخش دوم: امتحان در امتحان است، ای پسر! ۴۱

اگر روزی اجل آید... ۴۵

گفت بر هر خوان که بنشستم، خدا رزاق بود ۴۸

یک لحظه مباش غافل از ما ۵۰

خداش در همه حال از بلا نکه دارد ۵۲

در محضر او کرده خود را تو ببینی ۵۷

بحث تکمیلی دربارهٔ اجل ۶۱

بخش سوم: هان ای دل عبرت بین، از دیده نظر کن، هان ۶۷

هر که دل بندد بر این دنیا غریق ماتم است ۷۱

دنیا: آبشخوری جذاب، ولی لغزنده و گل آلود ۷۳

دنیا: جسم اندازی فریبنده، ولی هلاک کننده ۷۴

دنیا: جویای کم دوام ۷۶

دنیا: سایه‌ای سناپیدا ۷۷

دنیا: تکیه‌گاهی نامطمئن ۷۸

کمی‌نگاه مهبیایی است دنیا ۷۹

ای هیچ برای هیچ بر هیچ مپیچ ۸۵

بحث تکمیلی دربارهٔ دنیا ۹۰

بخش چهارم: آن صبح که خفتگان به یا می خیزند ۹۷

هر سو طنین نقشهٔ صور است، گوش کن ۱۰۱

به وقت صبح قیامت که سرز خاک برآرم ۱۰۴

میان آن همه تشویش در تو می‌نگرم ۱۰۹

ترس بود و وحشت و دلواپسی ۱۱۳

بانگ جرس برخاست، وای من خموشم ۱۱۹

بحث تکمیلی دربارهٔ نفخ صور ۱۲۰

بحث تکمیلی دربارهٔ معاد جسمانی ۱۲۶

بخش پنجم: هر که دل آرام دید، از دلش آرام رفت ۱۳۵

به مرگ زنده شدن هم حکایتی دارد ۱۳۹

در میان این و آن، فرصت شمار امروز را ۱۴۵

بشتاب ای برادر در جست و جوی نیکی ۱۴۸

بخش ششم: بازای، هر آنچه هستی، بازای ۱۵۳

پنداشت که مهلتی و تأخیری هست ۱۵۷



کزدیو و دد ملولم و انسامم آرزوست	۱۶۵
از کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود؟	۱۷۵
هدف خلقت انسان چیست؟	۱۷۶
اقسام هدف	۱۷۶
وعده خداوند به اهل تقوا	۱۸۲

بخش هفتم: کین اشارت ز جهان گذرا ما را بس ۱۸۵

این همه نقش عجب بردرو دیوار وجود	۱۸۹
گوش و چشم: ابزار اصلی شناخت	۱۹۱
قبل از آن کز تو نیاید هیچ کار	۱۹۶
پیری و جوانی پی هم چون شب و روزند	۲۰۲
وظایف جوان	۲۰۴
دست نهی گشته و در طلب یاری اند	۲۰۸

بخش هشتم: آخرین منزل هستی این است ۲۱۱

من و تنهایی و قبر و قیامت	۲۱۵
بروز مردن امثال خویش عبرت گیر	۲۲۰
دل به دنیا بسته و چشمش ز عقبی کور شد	۲۲۴

بخش نهم: شب خیز که عاشقان به شب راز کنند ۲۳۱

ما از پل صراط همین جا گذشته‌ایم	۲۳۵
زین سفر گریه سلامت به وطن باز رسم	۲۳۷
مردانگی آنجاست که دل پاک کنی	۲۴۴
خوف از گناه	۲۴۵
پرهیز از شبهات و عوامل گمراه‌کننده	۲۴۶
انتخاب نزدیک‌ترین راه	۲۴۶
مغرور نشدن	۲۴۷
بصیرت	۲۴۷
فردوس دمی ز وقت آسوده ماست	۲۴۸
دستیابی به شادمانی و راحتی پس از مرگ	۲۵۰
زندگی پسندیده در دنیا	۲۵۲
زمینه‌سازی برای سعادت اخروی	۲۵۲
شتاب در انجام اعمال نیک	۲۵۲
استفاده از فرصت‌ها	۲۵۲
انگیزه بسیار	۲۵۳
گریزان بودن از گناه	۲۵۳

آخرت‌اندیشی	۲۵۴
آینده‌نگری	۲۵۴
بحث تکمیلی درباره صراط	۲۵۶
نظر شیخ صدوق درباره عقبات روز محشر	۲۶۱
بخش دهم: شیطان نشست و سوسه‌ای رو به راه کرد	۲۶۷
گر به تقصیر بگیری نگذاری دیتار	۲۷۱
ایمان ما ز غارت شیطان نگاه دار	۲۷۳
روش‌های شیطان در گمراه کردن انسان	۲۷۷
بخش یازدهم: افسوس بر این عمر گران‌مایه که بگذشت	۲۸۵
ای جوان، چشم دل خود باز کن	۲۸۹
خوشا نشاط جوانی، خوشا زمان شباب	۲۹۴
ز روزگار جوانی خبر چه می‌پرسی؟	۲۹۸
مرگ می‌روزی فرا خواهد رسید	۳۰۱
بخش دوازدهم: وای از وقتی که رفته فرصت	۳۰۵
دیگر نمانده هیچ، به جز وحشت و سکوت	۳۰۹
کاروان رفته و تو جا ماندی	۳۱۱
بحث تکمیلی درباره تفاوت مرگ مؤمن با مرگ منافق و کافر	۳۱۷
چگونگی آسان بودن مرگ برای مؤمن	۳۲۵
تلاش شیطان در هنگام احتضار	۳۲۶
بخش سیزدهم: تن به زیر خاک، تو آن شوکتت	۳۲۹
سوی مردن کس به رغبت کی رود!	۳۳۳
سؤال و جواب در قبر	۳۳۶
گاهی لبی در آرزوی مرگ صنجه می‌کند	۳۴۱
بحث تکمیلی درباره برزخ	۳۴۵
اثبات عالم برزخ از دیدگاه عقل	۳۴۶
اثبات عالم برزخ از دیدگاه قرآن	۳۴۷
اثبات عالم برزخ و وجود حیات در آن بر اساس روایات	۳۴۹
بخش چهاردهم: ای که دستت می‌رسد، کاری بکن	۳۵۷
دیگران پشت‌سرت صف در صف	۳۶۱
به کجا چنین شتابان!؟	۳۶۷
سهم ما از خاک وقتی مستطیلی بیش نیست	۳۷۱
کتابنامه	۳۷۷



پیشگفتار

اهمیت و ضرورت یاد مرگ و مرگ باوری

«موضوع مرگ و اعتقاد به معاد جزء اصول اعتقادی مسلمانان و زیربنای تمام ادیان و آیین‌های آسمانی است. آیین بدون معاد بسان کاخ بی‌اساسی است که قطعاً فرومی‌ریزد؛ زیرا دین برنامه‌ای است که برای هدایت بشر به سوی کمال فرستاده شده است و هر برنامه‌ای بدون داشتن ضمانت اجرایی، کاری بیهوده است. ضمانت اجرایی دستورهای الهی، ایمان به زندگی پس از مرگ و رویارویی با پاداش‌ها و کیفرهای اعمال است و بدون چنین عقیده و ایمانی، هر نوع برنامه غیبی با رکود و توقف روبه‌روست.»^۱ با مراجعه به فلسفه عبادات نیز مشاهده می‌کنیم یاد مرگ، فلسفه بسیاری از عبادات برشمرده شده است. برای مثال، در بیان اسرار و فلسفه دو سجده نماز گفته‌اند معنای سر برداشتن از سجده اول این است که خداوند ما را از زمین خارج کرد و رفتن به سجده دوم، یعنی ما را به خاک بازمی‌گرداند و سر برداشتن از سجده دوم به این معناست که بار دیگر ما را از خاک بیرون می‌آورد.^۲ درباره روزه و اسرار آن نیز گفته‌اند که انسان با روزه‌داری به یاد تشنگی و گرسنگی روز قیامت می‌افتد: «اذْکُرُوا بِجُوعِكُمْ وَ عَطَشِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»^۳ در حج هم که سراپای آن یاد مرگ و قیامت است، لباس احرامی که به تن می‌کنیم، نماد کفنی است که به میت می‌پوشانند.

۱. جعفر سبحانی، الهیات و معارف اسلامی، ص ۴۴۶.

۲. عبدالله جوادی آملی، رازهای نماز، ص ۱۱۹ تا ۱۲۰.

۳. محمدبن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا ج ۱، ص ۲۹۵.

هیچ کاری مانند یاد مرگ در انسان، خودکنترلی در برابر گناه ایجاد نمی‌کند؛ حتی یاد خدا نیز در این حد نیست. یاد خدا به ایمان عمیق، یعنی یقین نیاز دارد؛ در حالی که یاد مرگ به یقین نیاز ندارد. وجود ظنّ عقلایی درباره مرگ کفایت می‌کند؛ یعنی همین که انسان احتمال عذاب دهد، بازدارنده او از گناه است. در سیره بزرگان و علما نیز می‌بینیم که همواره، به قبرستان می‌رفتند و بر سر قبور می‌نشستند و یاد مرگ می‌کردند.

به مرحوم آیت‌الله شیرازی که از علمای بزرگ کربلا بود، گفتند: «اگر گوینده راست‌گویی به تو خبر دهد که در پایان همین هفته می‌میری، تو در این چند روز باقی‌مانده چه می‌کنی؟» او در پاسخ گفت: «هر کاری که از اول جوانی تاکنون انجام داده‌ام، الان هم همان عمل را انجام می‌دهم؛ زیرا من از نوجوانی هرگاه قصد کاری داشتم، اول فکر قیامت و پاسخ آن را می‌کردم؛ بنابراین خبر مرگ و مردن برای من سبب وحشت نمی‌شود.»^۱

۱۵

در آیات متعددی از قرآن کریم و در روایات بسیاری به مرگ باوری و آثار آن اشاره شده است. برای مثال، از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال شد: «أَيُّ الْمَوْتَيْنِ أَكْبَسُ؟» (زیرک‌ترین مردم کیست؟) ایشان فرمودند: «فَقَالَ أَكْثَرُهُمْ ذِكْرًا لِلْمَوْتِ وَأَشَدُّهُمْ لَهُ اسْتِعْدَادًا.»^۲ (کسی که بیش از دیگران یاد مرگ کند و مهبای آن باشد.) امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هم در سفارش خود به عبدالله بن جنبد می‌فرماید: «وَاجْعَلِ الْمَوْتَ نَضْبَ عَيْنِكَ.»^۳ (همیشه به یاد مرگ باش؛ به طوری که مرگ همیشه جلوی چشمت باشد.)

آثار یاد مرگ و مرگ باوری در روایات

۱. دستیابی به مقام شهدا

یاد مرگ نقش بسیار سازنده‌ای در زندگی انسان دارد؛ به طوری که رسول

۱. محسن قرآنی، اصول عقاید، ص ۵۱۷ تا ۵۱۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۵۸.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۰۴.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ یادکنندگان مرگ و قیامت را هم درجه و هم رتبه شهدا معرفی می‌کنند:

«وَسَأَلَهُ بَعْضُهُمْ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ يُحْشَرُ مَعَ الشُّهَدَاءِ أَحَدٌ قَالَ نَعَمْ مَنْ يَذْكُرُ الْمَوْتَ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ عَشْرِينَ مَرَّةً.»^۱ (به رسول خدا ﷺ عرض کردند: «آیا کسی با شهدا محشور می‌شود؟») فرمودند: «بلی، کسی که در شبانه روز بیست مرتبه مرگ را یاد کند.»

۲. غفلت زدایی

انسان غالباً در دوران زندگی دنیا، از هدف اصلی خلقت غافل می‌شود و به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که گویی، همیشه در دنیا باقی خواهد ماند. یاد مرگ و قیامت مایه تدرک و تنبه است که آدمی هدف را فراموش نکند و اعمال و تصمیم‌های خویش را با توجه به هدف تنظیم کند. امام صادق عليه السلام می‌فرماید:

«مَنْ كَانَ مَعَهُ كَفْرٌ فِي بَيْتِهِ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْعَافِينَ.»^۲ (کسی که در خانه کفر داشته باشد [و همواره پیش چشمش باشد]، از غافلان به‌شمار نمی‌آید.) ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يَقْطَعُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ.»^۳ (یاد مرگ... ریشه‌های غفلت را برمی‌گند.)

۳. کنترل شهوات

یاد مرگ و قیامت عاملی مؤثر در کنترل شهوات در انسان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اذْكُرُوا هَادِمَ اللَّذَاتِ. قِيلَ: وَمَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟» فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْمَوْتُ.»^۴ (محوکننده لذات را بسیار به یاد بیاورید. از ایشان پرسیدند: «محوکننده لذات چیست؟» فرمودند: «مرگ.») امام صادق عليه السلام نیز می‌فرماید: «ذِكْرُ الْمَوْتِ بُمِيتِ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ.»^۵ (یاد مرگ شهوات را از بین می‌برد.)

۱. ورامین ابی‌فراس، تنبیه الخواطر و نزهة التواظر، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۵۶.

۳. منسوب به امام صادق عليه السلام، مصباح الشریعة، ص ۱۷۱.

۴. همان، ص ۱۷۱.

۵. همان.

۴. ایجاد لطافت قلب

یاد مرگ و قیامت، قساوت را از دل انسان می برد و آن را لطیف می کند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدَ. قِيلَ: فَمَا جَلَاءُهَا؟ قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ذِكْرُ الْمَوْتِ وَتِلَاوَةُ الْقُرْآنِ.»^۱ (دل ها مانند آهن زنگ می زند. از ایشان پرسیدند: «صیقل آن چیست؟» فرمودند: «یاد مرگ و خواندن قرآن.») امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرمایند: «ذِكْرُ الْمَوْتِ ... يُرِقُّ الطَّنَبُ.»^۲ (یاد مرگ ... روحیه انسان را از قساوت به لطافت سوق می دهد.)

۵. زهد و بی رغبتی به دنیا

زهد و بی رغبتی به دنیا از دیگر آثار توجه به مرگ است. غفلت از مرگ، دنیا را در نظر انسان زیبا و باارزش جلوه می دهد و او را سخت شیفته دنیا می کند؛ به طوری که عقل آدمی را از درک مرگ و هر حقیقت و واقعیتی محروم می سازد. انسان غافل برای رسیدن به خواسته های نفسانی از پای نمی نشیند و از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمایند: «أَكْثَرُوْا مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ ... يَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا.»^۳ (مرگ را بسیار به یاد آورید؛ زیرا یاد مرگ ... علاقه بسیار شما به دنیا را کم می کند.) امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز می فرمایند: «ذِكْرُ الْمَوْتِ ... يُحَفِّزُ الدُّنْيَا.»^۴ (یاد مرگ، دنیا و زندگی دنیوی را در نظر انسان کوچک و خوار می کند.)

۶. خاموشی آتش حرص و بخل

حرص بر کسی غلبه می کند که مرگ را فراموش کند و در عالم خیال خویش، زندگی را جاوید بداند. درحقیقت، چنین کسی هرچه از دنیا به دست آورد، قانع نمی شود. اما کسی که می داند ممکن است فردا بانگ الرحیل از این جهان، برای او سر داده شود یا به تعبیر دیگر، پایان عمر خود را هر لحظه امکان پذیر می بیند، به

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۳۴۳.

۲. منسوب به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، مصباح الشریعة، ص ۱۷۱.

۳. ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر و زهده النواظر، ج ۱، ص ۲۶۹.

۴. منسوب به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، مصباح الشریعة، ص ۱۷۱.



آنچه نیاز او را برمی آورد، راضی و از حرص و طمع دور می شود. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: «**ذَكَرْتُ الْمَوْتَ... يُظْفِي نَارَ الْحَرِصِ**»^۱ (یاد مرگ آتش حرص را در انسان خاموش می کند).

۷. بازداشتن انسان از طغیان و سرمستی

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «... **فَإِنْ ذَكَرْتُمُوهُ عِنْدَ الْغِنَى هَدَمَهُ**»^۲ (یادکردن مرگ و قیامت در حال بی نیازی، جلو مستی ها و طغیان های برآمده از ثروتمندی را می گیرد).

۸. ایجاد رضایت و خشنودی در انسان

هرگاه انسان در حال تندرستی و فقر به یاد مرگ افتد و به این بیندیشد که روزی باید در دادگاه عدل الهی پاسخ گو باشد و بگوید درآمدش را از چه راهی به دست آورده است و چگونه مصرف کرده و متناسب با درآمدش، تا چه اندازه در رفع نیاز محرومان جامعه کوشیده است، قطعاً به مقدار کم درآمد راضی می شود. انسان اگر مالی نداشته باشد، مسئولیتش هم کمتر است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «... **إِنْ ذَكَرْتُمُوهُ عِنْدَ الْفَقْرِ أَرْضَاكُمْ بِعَيْشِكُمْ**»^۳ (یادکردن مرگ به هنگام فقر، شما را از زندگی تان خشنود می سازد).

۹. شتاب کردن در کار خیر

هرکه مرگ را جلو خود ببیند و منتظرش باشد، نه تنها از کارهای روزانه خود عقب نمی ماند، بلکه کارهای خیر را بیشتر و سریع تر انجام می دهد؛ زیرا می داند وقت کم است و مرگ یک دفعه فرامی رسد. امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: «**مَنْ تَرَقَّبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ**»^۴ (کسی که منتظر مرگ باشد، به سوی خوبی ها شتابان می رود).

۱. همان.

۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۲۳۷.

۳. همان.

۴. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۳۰.

۱۰. آمادگی برای مرگ

یاد دائمی مرگ و قیامت، انسان را برای مواجهه با آن‌ها آماده می‌کند. امام علی علیه السلام در وصیت خویش به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ أَكْثِرْ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَذِكْرِ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ وَتُفْضِي بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيَكَ وَقَدْ أَخَذَتْ مِنْهُ حِذْرَكَ وَشَدَّدَتْ لَهُ أَرْكَهَ وَلَا يَأْتِيَكَ بَعْتَهُ فَيَبْهَرَكَ.»^۱ (پسرم، بسیار به یاد مرگ باش و به یاد آنچه به سوی آن می‌روی و پس از مرگ در آن جای می‌گیری، تا هنگامی که مرگ به تو می‌رسد، خود را از هر نظر آماده کرده و کمرت را محکم بسته باشی. نکند ناگهان مرگ فرابرسد و تو را مغلوب سازد!)

۱۱. کوتاه کردن آرزوها

به یقین، آرزوهای دراز یکی از دشمنان خطرناک سعادت انسان است. در طول تاریخ، تجربه زیسته بشر نشان داده‌است که بلندپروازی‌ها و آرزوهای دورودراز آدمی هیچ حد و مرزی ندارد و انسان هر قدر به آرزوهایش دست یابد، باز هم بیشترش را طلب می‌کند. بدیهی است که چنین آرزوهای طولانی و بی‌حد و مرزی همه قدرت فکری و جسمی انسان را صرف می‌کند و برای انسان، نیرویی برای پرداختن به آخرت و زندگی جاویدان باقی نمی‌گذارد. یاد مرگ و قیامت یکی از عوامل مؤثر در کوتاه کردن آرزوهای دراز و متوجه ساختن آدمی به آخرت است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اتِّبَاعَ الْهَوَىٰ وَ طُولَ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعَ الْهَوَىٰ فَيُصَدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ.»^۲ (وحشتناک‌ترین چیزی که برای شما از آن می‌ترسم، دو چیز است: پیروی از هوای [نفس] و آرزوهای دراز؛ زیرا پیروی از هوا [انسان را] از حق بازمی‌دارد و آرزوی دراز موجب فراموش کردن آخرت می‌شود.) ایشان همچنین می‌فرماید: «مَنْ ذَكَرَ الْمَيِّتَةَ نَسِيَ الْأَمْنِيَّةَ.»^۳ (کسی که به یاد مرگ باشد، آرزو را فراموش می‌کند.)

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۴۲.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۲۹.



سعدی می‌گوید در شیراز، کسی ما را برای شام دعوت کرد. به منزل صاحب‌خانه رفتیم و دیدیم پیرمردی است کمرخمیده که حتی یک موی سیاه هم در سر و صورت ندارد و با عصا به زحمت راه می‌رود. او ما را مشایعت کرد و نزدمان نشست. ما هم او را احترام کردیم. از او پرسیدم: «حالت چطور است پیرمرد؟» گفت: «خوبم. می‌خواهم به خواست خدا کاری انجام دهم.» باز پرسیدم: «چه کاری.» گفت: «می‌خواهم از شیراز جنس ببرم و در چین بفروشم و از بازار چین، چینی بخرم و در شام بفروشم؛ زیرا شنیده‌ام شامیان طرف‌دار چینی‌اند. سپس دیبای رومی بخرم و در حلب بفروشم؛ زیرا شنیده‌ام دیبای رومی در حلب خیلی خواهان دارد. سپس گوگرد احمر بخرم. ان‌شاءالله بعد از اینکه به این کشورها رفتم و جنس‌ها را خریدم و فروختم، به شیراز می‌آیم و بقیه عمر را عبادت می‌کنم.» سعدی می‌گوید به او نگاه کردم. دیدم همین امروز فرداست که باید به مجلس ختمش بروم؛ اما او می‌گفت این سفرها را بروم و بیایم و بقیه عمر را به عبادت مشغول شوم. برای همین در جواب مرد تاجر گفتم: آن شنیدستی که در اقصای غور^۱ بار سالاری بیفتاد از ستور گفت چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پر کند یا خاک گور^۲ معنای سخن سعدی این است که ساکت کردن چنین فردی فقط با پرکردن دهانش با خاک گور ممکن است؛ وگرنه اگر ره‌ایش کنند، می‌خواهد همه دنیا را بگیرد و بعد از آن اگر وقتی پیدا شد، عبادت کند!

راهکارهای تقویت مرگ‌باوری

۱. تفکر: در برنامه روزانه خود، تفکر درباره مرگ، به ویژه مرگ خود را قرار دهیم.
۲. امام صادق علیه السلام درباره معنای این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمودند: «یک ساعت فکر کردن از یک سال عبادت کردن بهتر است»،^۳ می‌فرمایند: «این

۱. بیان.

۲. نک: گلستان سعدی، باب قناعت، حکایت ۲۲.

۳. تفسیر نورالثقلین، جلد ۲، صفحه ۴۹۳.

فکرکردن، دربارهٔ آیندهٔ خود، بازپرسی‌ها، حسابرسی‌ها، حاضرشدن در دادگاه
عدل الهی و آمادگی برای پاسخ است.»^۱

۲. مطالعه دربارهٔ مرگ؛

۳. زیارت اهل قبور؛

۴. نوشتن وصیت‌نامه؛

۵. تلاوتِ باتوجهِ آیاتِ مربوط به مرگ؛

۶. شرکت در جلسات ذکر؛

۷. پرهیز از عوامل غفلت‌زا، مانند شرکت در مجالس لهو و لعب، گوش دادن به
موسیقی‌های غنا و پُرحرفی کردن.

نشانه‌های انسان مرگ‌باور

انسان مرگ‌باور نشانه‌هایی دارد که برخی از آن‌ها را از نظر می‌گذرانیم:

۱. سکوت

افرادی که زیاد به یاد مرگ هستند، معمولاً سکوتشان زیاد است؛ چراکه می‌دانند
بیشترین عاملی که در قیامت، انسان را گرفتار می‌کند، زبان است. از این روست
که قرآن مجید می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ يُصْلِحْ
لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»^۲... بر مبنای این آیه، اگر زبان خویش را اصلاح
کنیم و سخن حق بگوییم، اعمال ما نیز اصلاح و گناهانمان بخشیده می‌شود.

۲. انجام واجبات و ترک محرمات

انجام واجبات و ترک محرمات، دومین نشانهٔ افراد مرگ‌باور است؛ چراکه داشتن
ظن عقلایی به مرگ و حیات پس از مرگ و عذاب الهی، کافی است تا انسان
عاقل به سوی انجام واجبات و ترک محرمات حرکت کند.

۱. سیدمحمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۳۳.

۲. احزاب، ۷۰ و ۷۱.



۳. شتاب در کار خیر

شتاب کردن در کار خیر از دیگر نشانه‌های افراد مرگ‌باور است؛ چراکه به زنده بودن خود در لحظه بعد یقین ندارند؛ از این رو انجام کار خیر را به تأخیر نمی‌اندازند.

۴. کینه‌نورزیدن

کینه‌نورزیدن ویژگی دیگر افراد مرگ‌باور است. این افراد زود از خطای دیگران می‌گذرند؛ زیرا بر این باورند که اگر می‌خواهند خداوند متعال از آن‌ها بگذرد، باید خودشان هم از مردم بگذرند.

۵. حزن قلبی

حزن قلبی از دیگر نشانه‌های انسان‌های مرگ‌باور است. انسان وقتی از عظمت حوادث مرگ مطلع می‌شود، نگران شده و این نگرانی به ایجاد حزن قلبی در او منجر می‌شود. اما باید به این نکته توجه داشت که این حزن قلبی باعث افسردگی و کسالت نمی‌شود. عاملی که در انسان‌ها باعث افسردگی و کسالت می‌شود، حزن دنیوی است.

دشواری سخن گفتن درباره مرگ

سخن گفتن درباره مرگ و حیات پس از مرگ به دو دلیل دشوار است:

۱. ما انسان‌ها معمولاً از طریق حواس پنج‌گانه و تجربه و تعقل، به موضوعات گوناگون، علم و معرفت پیدا می‌کنیم. با این ابزار نمی‌توانیم به مرگ و حیات پس از آن اشراف داشته باشیم؛ چون این موضوع از موضوعاتی نیست که بتوان از طریق حواس پنج‌گانه یا تجربه یا عقل به آن معرفت پیدا کرد. می‌بینیم که در اطرافمان انسان‌هایی می‌میرند؛ اما نمی‌دانیم حین مرگ و پس از مرگ، برای آنان چه اتفاقاتی می‌افتد.

۲. عالم پس از مرگ عالمی مادی نیست؛ ولی زبان و کلام ما مادی و محدود است؛ بنابراین با چنین ابزاری نمی‌توانیم درباره حقیقتی غیرمادی صحبت

کنیم. از این رو، بسیاری از آیات و روایاتی که چگونگی حیات پس از مرگ را توصیف کرده‌اند، به زبان تمثیل سخن گفته‌اند تا آن رویداد را به شکلی فهمیدنی، برای ما به تصویر کشند. در روایاتی هم که از زبان تمثیل استفاده نشده است، فهم معنای حقیقی گزارش‌ها برای ما بسیار دشوار است. به هر حال، یگانه منبع قابل اعتماد برای ما در این زمینه، قرآن و روایات صحیح‌السندی است که به دست ما رسیده است. یکی از منابع روایی که به توصیف مرگ و جهان پس از مرگ پرداخته است، نهج البلاغه است و در میان خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه نیز بی‌شک، خطبه ۸۳ به نام خطبه غراء سرآمد است.

معرفی خطبه ۸۳ نهج البلاغه، معروف به خطبه غراء

خطبه ۸۳ یکی از خطبه‌های بسیار شگرف نهج البلاغه است که بنا به گفته سیدرضی در پایان خطبه، به خطبه غراء نیز مشهور است.^۱ «این خطبه به لحاظ بلاغت و تعجب‌برانگیزی الفاظ و بلندی مفاهیم، به غراء، یعنی درخشان، مشهور شده است.»^۲ در بیان علت صدور این خطبه از حضرت علی علیه السلام گفته‌اند آن حضرت جنازه مسلمانانی را تشییع می‌کردند. هنگامی که او را در قبر گذاشتند، بازماندگان صدا به ناله و شیون بلند کردند و گریستند. امام علیه السلام فرمودند: «به خدا قسم، اگر اینان آنچه را میتشان مشاهده می‌کنند، ببینند، گریه بر او را فراموش می‌کنند. به خدا قسم، مرگ به سراغ یک‌یک آن‌ها می‌آید و کسی را باقی نمی‌گذارد.» سپس، حضرت علیه السلام برخاستند و این خطبه را ایراد کردند.^۳

مطالبی را که حضرت علیه السلام در این خطبه بیان می‌کنند، می‌توان به هفت بخش کلی تقسیم کرد: ۱. بیان اوصاف جمال و جلال خدا؛ ۲. نکوهش دنیا؛ ۳. معاد و عرصه محشر و صحنه‌های هولناک قیامت؛ ۴. اشاره به آغاز و انجام زندگی بشر؛

۱. «من الناس من یسمی هذه الخطبة الغراء.»

۲. ابن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه ابن میثم، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم، ج ۲، ص ۴۹۶.

۳. سیدعبدالزهر حسینی خطیب، مصادر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۱۰.